نمایی از پوشش بانوان طبقه متوسط در دوره قاجار

برگرفتن یک پیرایه از تاریخ معاصر

جستارهایی در توسعه علمی و فرهنگی زنان در دوره قاجار

گزارش
سیده‌زهرا حسینی کیا
روزنامه‌نگار

بررسی وضعیت زنان در دوره قاجار، گویای برخی از ویژگی‌های ساختار اجتماعی جامعه در آن مقطع است، از این‌رو قضاوت در این‌باره امری است که گهگاه دستخوش بیان آرای متفاوت و بعضا متناقض واقع شده است. در آن دوره نیز مانند تمام ادوار تاریخی، بسا زنان کوشا و مترقی که وجودشان آکنده از روشن‌بینی و عمیق‌نگری بود، حضور داشتند و چه بسا از دیده‌ها و اذهان بسیاری از مردم نهان مانده‌اند. با مطالعه بخشی از اسناد و منابع، می‌توان به نوخوانشی از جایگاه زنان در عصر قاجار رسید که با تصور قاطبه مردم از جایگاه زن در آن دوران متفاوت است. در این مجال قصد بر آن است، تا نگاهی به کوشش بانوان پیشرو عصر قاجار و تلاش آنان در جهت بهبود جایگاه اجتماعی زن ایرانی داشته باشیم. امید است که مفید واقع شود.

ماجرا و جایگاه حرمسرا

حرمسرا مکانی بود که زنان قاجار در آن تصویر جدیدی از دخالت خود در امور سیاسی، اجتماعی و اقتصادی را رقم زدند و به مثابه یک نهاد اجتماعی، برای اتصال دستگاه سیاسی و افکار عمومی جامعه شمرده می‌شد و به پایداری خاندان قاجار نیز کمک فزاینده می‌کرد. مطالعه تطبیقی میان حرمسرای عثمانی و ایرانی، به شناخت بیشتری از تفاوت زنان ایرانی و عثمانی در خواندن و نوشتن می‌انجامد. در اسناد تاریخ‌نگارانی چون بروگش و لیدی شل، مهم‌ترین ویژگی حرمسرا که عامل تبدیل آن به یک نهاد می‌شد، آموزش زنان و دختران یادشده است. بنابر شواهد و اسناد، این بانوان از دوران فتحعلی‌شاه تا اواخر دوران قاجار، به سوادآموزی می‌پرداخته و با ادبیات کشور خود و علوم قرآنی آشنا بودند و مکاتبات خود را بدون نیاز به میرزاها، به رشته تحریر درمی‌آوردند. از جمله زنانی که در تحریر و تقریر یگانه بودند، می‌توان به ضیاءالسلطنه و تاج‌الدوله از همسران فتحعلی‌شاه اشاره کرد که خط نسخ را می‌نوشتند و کتب، ادعیه و مصاحف بسیاری به خط آنها باقی مانده است. علاوه بر این قمرالسلطنه و حسن‌جهان خانم، دختران فتحعلی‌شاه نیز در شعر طبع خود را آزموده بودند. از میان زنان دربار ناصری نیز می‌توان مهدعلیا، مادرناصرالدین شاه -که بر ادبیات فارسی و عربی تسلط کامل داشت- را نام برد و در کنار آن فخرالدوله و تاج‌السلطنه دختران ناصرالدین شاه که آثار منثوری از آنها به جامانده است که هر دوی آنان با زبان انگلیسی و فرانسوی آشنا بودند. افزون بر سوادآموزی در حرمسرا، زنان برای آموزش مباحث مذهبی نیز تعلیم می‌دیدند. در خاطرات معیرالممالک ثبت شده که شاهان قاجار به‌ویژه فتحعلی‌شاه، ناصرالدین شاه و مظفرالدین شاه، گرایش بسیاری به هنر داشتند و دستور داده بودند که آموزش فنون نقاشی و موسیقی، در حرمسرا ارائه شود، از این‌رو بود که بسیاری از زنان دربار قاجار، به یادگیری انواع ساز و آواز، نقاشی و پیانو پرداختند.

زنان متمول و تحصیل کرده قاجار اما در سیاست نیز تأثیرگذار بودند و با پیوندهای خویشاوندی خود، باعث تحکیم قدرت مرکزی خاندان قاجار می‌شدند و بستر جنگ‌های داخلی را کاهش می‌دادند. برخی از این زنان به حکمرانی مناطقی از ایران رسیدند که حسن‌جهان خانم ملقب به والی کردستان از دختران فتحعلی‌شاه از آن دست بودند. قدرت سیاسی زنان قاجار تا آن حد بود که مادر ناصرالدین شاه در تمام مسائل دربار دخالت داشت و در نجات یا مرگ بسیاری از درباریان، پیشقدم می‌شد. در تاریخ شاهد آن هستیم که دستور قتل امیرکبیر را او صادر کرد. در جایی دیگر می‌توان به جیران، مادر آقامحمدخان اشاره کرد که به نابودی کامل دودمان زند، تا ۷نسل دستور داد! از دیگر فعالیت‌های سیاسی و اجتماعی زنان قاجار، می‌توان به دادخواهی آنها از مردم نزد شاهان اشاره کرد. به‌عنوان مثال انیس‌الدوله، همسر ناصرالدین شاه، به این کار مشغول بود. اشاره به نقش سیاسی-مذهبی زنان دربار ناصری نیز درخور توجه است که در ماجرای تحریم تنباکو و شکستن قلیان‌ها و مخالفت با قرارداد رژی پیشگام بودند. ترکیب قدرت سیاسی و تحصیلات در زنان خاندان قاجار، باعث ظهور جنبه‌هایی از حیات اقتصادی و اجتماعی آنان شد و بسیاری از زنان مانند زبیده خانم دختر فتحعلی شاه، قمرالسلطنه، مهدعلیا و عزت‌الدوله، از بذل ثروت شخصی خود در راه امور عام‌المنفعه دریغ نکردند و به ساخت مسجد، مدرسه و تکایا، در محل‌های مختلف تهران مبادرت ورزیدند.

پیدایش مدارس دخترانه در دوران قاجار

از مهم‌ترین عوامل زمینه‌ساز رشد زنان در عرصه فرهنگی و اجتماعی، می‌توان به قرارگرفتن جامعه ایرانی از اوایل دوره قاجار، در گردونه روابط بین‌الملل اشاره کرد. همچنین دلایل دیگری چون ورود افکار روشن‌بینانه از کشورهای دیگر، تشکیل مدارس و محافل فرهنگی به‌دست دانشجویان ایرانی، ترقی صنعت چاپ و ترجمه کتاب‌ها و روزنامه‌های خارجی، عاملی بودند بر باز شدن دریچه پیشرفت و روشنگری. مجموعه این عوامل، باعث پیدایش مدارس دخترانه از زمان محمدشاه شد و در میانه دوره ناصری، رساله‌های انتقادی در مورد عدم‌سوادآموزی زنان در جامعه ایرانی منتشر شد و از نیمه دوم سلطنت مظفرالدین‌شاه با توجه به فعالیت دانش‌آموختگان نواندیش و روشنفکران ایرانی، زمینه‌های تشکیل مدارس دخترانه و آموزش زنان ایجاد شد. در دوره محمدشاه، نخستین گسست محدود در اندیشه آموزش زنان ایرانی با تاسیس مدارس نوین در ایران شکل گرفت. نخستین مدرسه دخترانه خارجی را کشیش پرکیینز در شهر ارومیه بنیان نهاد که نام آن ادا بود. به‌تدریج این مبلغان توانستند در شهرهایی چون تهران، همدان و رشت، مدارس دخترانه دیگری تاسیس کنند. از دیگر مدارس دخترانه که طی سال‌های ۱۲۳۰تا۱۲۷۸ق تاسیس شد، می‌توان به موارد زیر اشاره کرد: مدرسه سن لویی، مدرسه جمعیت خواهران سن ونسان دوپل در تبریز، مدرسه سن ژوزف، مدرسه نوربخش، مدرسه آلیانس، مدرسه خواهران نیکوکار ژاندارک، مدرسه فرانکو و مدارس اقلیت‌های مذهبی مثل مدرسه آرامیان، مدرسه اناث ارامنه، مدرسه هایکازیان. روی‌هم‌رفته تا پایان سلطنت مظفرالدین‌شاه، فقط مدارس نوین غربی فعالیت داشتند که تنها برخی دختران مسلمان در آنجا تحصیل می‌کردند و پس از انقلاب مشروطه، مدارس دخترانه ملی تاسیس شدند. همچنین به‌دلیل نیاز مبرم زنان ایرانی به پزشکان متخصص در سال ۱۲۹۴ش، دکتر امیراعلم پیشنهاد تاسیس یک بیمارستان ۲۰تختخوابی برای زنان را ارائه کرد. این بیمارستان به‌عنوان مرکز آموزش پزشکی زنان عمل می‌کرد و ۱۳دانشجوی زن در آن به علم‌آموزی می‌پرداختند.

تأثیر انقلاب مشروطه در وضعیت اجتماعی زنان

انقلاب مشروطه و حضور زنان در آن، دگراندیشی در حوزه‌های مربوط به آنان را به‌وجود آورد. بستری که در زمان انقلاب مشروطه جهت ترقی تحصیل زنان در جامعه ایرانی شکل گرفت، مرهون تلاش‌های این طیف در طول آن دوره قلمداد می‌شود. آنان با تلاش در جهت زدودن تفکر منفعل و عدم‌تمایل زنان به تحصیل، بستر لازم برای نهادینه کردن تفکر یادگیری و آموختن را در جامعه ایران بسط دادند. این دگراندیشی با تغییر در ۳اصل مهم متمم قانون اساسی متبلور شد: اصول هشتم، هجدهم و نوزدهم که بر برخورداری از حقوق یکسان در جامعه و آزادی تحصیل علوم و معارف، با تکیه بر آیاتی از قرآن مثل «هل یستوی الذین یعلمون و الذین لایعلمون و حدیث پیامبر(ص): طلب العلم فریضه علی‌المسلم و المسلمه» و بدون درنظر گرفتن جنسیت تأکید می‌ورزید. در جریان توجه به تحصیل زنان، جراید نقش پررنگی داشتند. روزنامه مظفری ۳سال قبل از انقلاب مشروطه، درباره اهمیت تحصیل و ترقی زنان نوشت و در زمان مشروطه روزنامه وطن نیز با تکیه بر مفاهیم اساسی اسلام، تحصیل زنان را هرگز منافی مبانی اسلام ندانست و از الزام سوادآموزی در جامعه زنان گفت. همچنین در روزنامه حبل‌المتین، نامه‌های بعضی از بانوان در انتقاد به عدم حق رأی و حق تحصیل زنان در نظام نامه انتخابات منتشر شد که نشانگر اشتیاق آنها به کسب علم بود. روزنامه‌نگاران مشهور آن دوره، به بیان اهمیت دانش‌اندوزی زنان پرداختند و ترقی ملت و سواد علمی مردان را، منوط به تعلیم زنان دانستند. طی این اصلاحات، طرح تاسیس مدارس دخترانه ملی در سال۱۳۱۹ق شکل گرفت و مدرسه تربیت در تبریز تاسیس یافت. همچنین بی‌بی خانوم وزیری در سال ۱۳۲۴ قمری در تهران، مدرسه‌ای به نام دوشیزگان تاسیس کرد. بعد از آن طوبی آزموده مدرسه ناموس را با مساعدت میرزاحسن رشدیه بنیان نهاد.

ظهور جراید زن‌نگار

در حلقه پرشمارتر از زنان زمان آگاه، باید به روزنامه‌نگاران زن توجه داشت. نخستین مطبوعات زنان، مشحون از ارائه نسخه صریح و روشن برای بهبود شرایط و بازتعریف هویت زنان، از طریق احقاق حقوق و ضرورت آموزش آنان بود. همزمان با ظهور ساختارهای تجددگرایانه در اواخر دوره ناصری، جراید زن‌نگار نیز ظهور یافتند. در آغاز کسانی چون بی‌بی خانم استرآبادی و یوسف‌خان مستوقی، با نگارش رساله‌هایی به نقد الگوهای اجتماعی و بیان حقوق زنان پرداختند. شکل‌گیری تحولات دوره مشروطه موجب شد تا پس از سقوط دوره موسوم به استبداد صغیر و برقراری مجلس شورای ملی دوم در ۱۲۸۸ش، انتشار جراید زن‌نگار گسترش یابد و زنان به طرح مطالبات اجتماعی، فرهنگی و سیاسی خود در جراید بپردازند. روزنامه دانش به سردبیری سمیه کمال، نخستین روزنامه زن‌نگار بود که در سال ۱۲۸۹ش انتشار یافت و به آموزش مسائل بهداشت زنان و رفتارهای درون خانواده می‌پرداخت. روزنامه شکوفه دومین روزنامه زن‌نگار بود که به سردبیری مریم عمیدسمنانی (مزین‌السلطنه) در تهران منتشر شد. در این روزنامه به ۳موضوع مهم تحصیل دختران، سلامت رفتار و عادات اجتماعی زنان پرداخته شده بود و برای نخستین بار با درج تصاویر و کاریکاتورها، به نقد رفتارهای اجتماعی در جامعه ایرانی پرداخت. روزنامه نامه بانوان، چهارمین روزنامه زن‌نگار دوره قاجار، به سردبیری شهناز آزاد در تهران منتشر شد. این روزنامه از زبان شعر، برای طرح مطالبات اجتماعی زنان بهره جست و از اشعار بانوانی چون شهناز آزاد، هماخانم محمودی، مریم رفعت‌زاده، عطیه کسمایی، بلقیس نوران و فاطمه ادیبه‌الزمان بهره می‌جست. مجله جهان زنان، نخستین مجله زن‌نگار در مشهد، به سردبیری فخرآفاق پارسا بود و اختصاص به مفاخر زنان داشت، که در هر بخش، از مفاخر زنان در تاریخ اسلام و زنان برجسته در سراسرجهان گفته می‌شد. همچنین به بررسی حضور زنان و تأثیر آنها در بافتارهای اجتماعی جامعه در قالب مذهبی نگاه می‌شد و از رهنمودهای اسلامی و عدالت در حق زنان و مردان یک جامعه سخن می‌گفت. مجله جمعیت نسوان وطنخواه ایران، نخستین نشریه زن‌نگاری است که به‌صورت گروهی و با مشارکت اعضای تشکل جمعیت نسوان وطنخواه ایران منتشر می‌شد و سردبیری آن را، محترم اسکندری عهده‌دار بود. در این مجله مقالات بسیاری از مردان که مدافع حقوق زنان بودند، مانند آقاصادق بروجردی به چاپ می‌رسید.

تاریخ‌نگاری زنان

تاریخ‌نگاری زنان در جهان، امری بسیار نوین محسوب می‌شود که پس از انقلاب مشروطه، نقطه عطفی برای حضور زنان در صحنه جامعه و سیاست و به تبع آن نقش‌آفرینی در تاریخ و وقایع‌نویسی بوده است. از این روی تاریخچه اعمال مهم برخی بانوان که در تغییر وضعیت جامعه خویش مؤثر بودند، در مطالعه تاریخ عصر قاجار حائزاهمیت است و باید در مطالعه این دوره، موردتوجه قرار گیرد. سردارمریم بختیاری یکی از این بانوان است که در سال ۱۲۵۱، در خانواده بختیاری چشم به جهان گشود و به تحصیل پرداخت و در زمینه تاریخ مطالعاتی انجام داد. او به مسائل سیاسی کشور علاقه داشت و وقایع روزنامه را پیگیری می‌کرد و با انواع حکومت در نظام‌های مختلف، آشنایی نسبی داشت. همین امر منجر به انتقاد از سیاست‌های اقتصادی نادرست و الگوی مصرف گرایی کالاهای بیگانه در عصر ناصری شد. به‌طوری که رویکرد سردارمریم بختیاری، در تحلیل نابسامانی اقتصادی ایران مثال‌زدنی است. بخش قابل‌توجهی از نوشته‌های مریم بختیاری، به انتقاد از وضعیت حقوقی و اجتماعی بانوان ایرانی و آموزش سبک درست انتخاب اصولی در زندگی زناشویی اختصاص دارد. او همچنین با تکیه بر اندیشه خویش در زمینه اعتقادی و دینی، زن و مرد را در خلقت برابر می‌داند و حقوق عادلانه برای هر دو را در زندگی اجتماعی خواستار می‌شود. از دیگر زنانی که در زمینه تاسیس مدارس دخترانه کوشیدند، می‌توان به بی‌بی‌فاطمه استرآبادی، نویسنده نشریات حبل‌المتین و تمدن و مؤسس نخستین مدرسه دخترانه تهران با نام دوشیزگان اشاره کرد. طوبی آزموده به پیروی از او، مدرسه ناموس را تاسیس کرد و در مدتی کوتاه تعداد مدارس دخترانه را به ۶ دستگاه رساند و در سال ۱۳۰۷، نخستین دبیرستان دخترانه تهران را افتتاح کرد. بعدها مدرسه ناموس به قدری توسعه یافته بود که به‌صورت یکی از مهم‌ترین و مجهزترین مدارس متوسطه تهران درآمد و تا پایان دوره دبیرستان، آموزش دختران را تامین کرد. به‌طوری که در ۱۳۰۷ شمسی، نخستین گروه دیپلمه‌های مدرسه ناموس فارغ‌التحصیل شدند... ملک‌تاج فیروز، ملقب به نجم‌السلطنه، مادر محمدمصدق نیز با دارایی خود پایه‌گذار بیمارستان نجمیه شد و ریاستش را به دخترش سپرد که در آن مراقبت ویژه از فقرا انجام می‌گرفت. مجموع این اسناد منجر به ثبت فعالیت‌های فداکارانه و مترقی زنان در عصر قاجار شد که الهام‌بخش جوامع بشری در آینده بود. هم از این روی ربط دادن اندیشه‌ها و سیستم آموزشی نوین به دوره پس از قاجار، نوعی آدرس غلط در روایت و تحلیل تاریخ معاصر قلمداد می‌شود و می‌تواند مسیر آن را به بیراهه ببرد.

نمایی از یکی از زنان حرمسرای ناصری

تاریخ‌نگاری زنان در جهان، امری بسیار نوین محسوب می‌شود که پس از انقلاب مشروطه، نقطه عطفی برای حضور زنان در صحنه جامعه، سیاست و به تبع آن نقش‌آفرینی در تاریخ و وقایع‌نویسی بوده است. از این روی تاریخچه اعمال مهم برخی بانوان که در تغییر وضعیت جامعه خویش مؤثر بودند در مطالعه تاریخ عصر قاجار حائزاهمیت است و باید در مطالعه این دوره موردتوجه قرارگیرد

نگاه
احمد سینایی؛ تاریخ‌پژوه

کشف حجاب رضاخانی
۲ اشاره در باب آغاز و فرجام

تغییر هویت، با تغییر لباس!

رضاخان پس از نیل به سلطنت، به اندیشه کپی‌برداری فرهنگی از کشور ترکیه، سعی کرد تا لباس زنان و مردان ایران را تغییر دهد. وی برای تحقق این امر، نخست به زمینه‌سازی پرداخت و نهادهایی چون کانون بانوان را تاسیس کرد. این کانون به ظاهر، فعالیت‌های غیرسیاسی داشت، اما در واقع هدف غایی آن، بسترسازی برای کشف حجاب بود. زهرا سعیدی پژوهشگر تاریخ معاصر ایران، در این باره آورده است: «ریاست کانون بانوان در بدو تاسیس آن، بر عهده شمس پهلوی بود. شمس نیز همچون سایر افراد خاندان پهلوی، با ۲هدف به سرپرستی سازمان‌ها و نهادهای مختلف اجتماعی اقدام می‌کرد: یکی تبلیغ بین مردم به‌عنوان فردی نیکوکار و دلسوز به حال محرومان و کسب وجهه برای خاندان پهلوی و دیگری کسب درآمد مادی و سوءاستفاده از بودجه سازمان‌ها و مصرف آن در سفرهای شخصی خارجی و هزینه از بیت‌المال. ظاهرا کانون با جمع‌آوری زنان روشنفکر، درصدد ایجاد راه‌هایی برای آموزش و بالابردن آگاهی زنان و دختران بود. علی اصغر حکمت دراین‌باره آورده است: هدف کانون آن است که به‌تدریج، در مدارس دختران مجالس جشن و خطابه تشکیل داده و دختران در آنجا با روی باز، در صف دانشجویان قرار گرفته و به ایراد خطابه‌های اخلاقی و سرودهای مخصوص مدارس هم‌آواز شوند و رجال محترم را هم در آن مجالس دعوت کنند و بعد از آن مانند پسران به ورزش و مشق بدنی مشغول شوند... گرچه اهداف کانون سیاسی نبود و ظاهرا امور خیریه و اهداف متعالی را شامل می‌شد اما درواقع هدف اصلی آن، تربیت فکری بانوان، به سبک مقبول خاندان پهلوی بود که کنارگذاشتن حجاب مهم‌ترین آنها به‌شمار می‌آید. ازاین‌رو شاهدیم که با تصویب اساسنامه کانون، کنارنهادن چادر نیز از اهداف این کانون اعلام شد. بر این اساس، دولت پیش از تشکیل کانون نیز اقداماتی به‌منظور حذف حجاب زنان انجام داده بود. چنان‌که در مهر ۱۳۱۳با صدور اعلامیه‌ای، مردم را برای پذیرش آموزگاران زن بی‌حجاب آماده کرد. جالب است بدانید زنان عضو کانون بانوان ایران، از نخستین کسانی بودند که پیش از دستور کشف حجاب، بدون چادر در معابر عمومی حرکت می‌کردند و پلیس دستور محرمانه دریافت کرده بود که از آنان حمایت کند. ۸ماه پس از فعالیت این کانون، در ۱۷دی‌ماه ۱۳۱۴، فرمان کشف حجاب صادر شد...»

دی ماه ۱۳۱۴، فرصتی بود که رضاخان آن را برای کلیدزدن تئوری کشف حجاب، مناسب تشخیص داد. با این همه این عملیات، صرفا مورد پذیرش بخش‌هایی معدود از جامعه قرار گرفت و به بدنه آن تسری نیافت. محمدرضا چیت‌سازیان، پژوهشگر تاریخ معاصر ایران، در این فقره می‌نویسد:

«هرچند مسئله آزادی حجاب و پوشش در دوران قاجاریه و در میان محافل روشنفکری مطرح شد اما اجرای این سیاست به‌صورت سیستماتیک و در سطح کلان، مربوط به دوره پادشاهی رضاشاه است. او که به‌شدت تحت‌تأثیر تحولات ترکیه عصر آتاتورک بود، بر آن شد تا کشف حجاب را اجرا کند.

۱۳۱۴، جشن کشف حجاب وزارت معارف در شهر قم. زنانی که سر به گریبان فرو برده‌اند!

رضاشاه خود به‌صراحت به محمود جم که این طرح در دوران نخست‌وزیری او اجرایی می‌شد، گفت: این چادر چاقچورها را به چه صورت می‌توان از میان برداشت؟ ۲سال است که این مسئله ذهن من را درگیر کرده است، از وقتی که به ترکیه سفر کردم و از نزدیک دیدم که چگونه زنان ترکیه حجاب را دور انداخته و دوش به دوش مردها کار می‌کنند، دیگر از هر چه زن چادری است نفرت دارم... .

بدین‌ترتیب طرح کشف حجاب، در دی‌ماه سال ۱۳۱۴ش آغاز شد. البته رضاشاه پیش از این و در فاصله سال ۱۳۱۳ش تا ۱۳۱۴ش، تلاش کرد زمینه و بستر لازم برای توجیه افکار عمومی را فراهم آورد. برای مثال جشن‌ها و مراسم سخنرانی متعددی در این مقطع در تهران و دیگر شهرهای کشور برگزار شد. به هر صورت رضاشاه در روز عملی کردن این سیاست، به تمامی وزارتخانه‌ها به‌خصوص وزارت دربار و معارف دستور داد که مقدمات مراسم بزرگی را که به مناسبت آزادی زنان و احقاق حقوق ایشان بود، فراهم کنند. او در این مراسم که به مناسبت اعطای دانش‌نامه به فارغ‌التحصیلان دانشگاهی برگزار شد، ضمن تبریک و تهنیت به مردم ایران، ابراز امیدواری کرد که این پیشرفت، نصیب همه زنان کشور حتی کسانی که در روستاهای دور و دراز کشور زندگی می‌کنند، شود. در واقع اگر بخواهیم به‌صورت دقیق‌تر صحبت کنیم، بعد از طرح جنجال‌برانگیز کشف حجاب، تعداد کمی از زنان کشورمان بودند که با آن همراه شدند. این زنان بیشتر اقشار فرنگی‌مآب را تشکیل می‌دادند که مسیر غرب‌گرایی را در پیش گرفته و در زمینه کشف حجاب فعالیت می‌کردند. این امر همچنین شامل زنان دربار نیز می‌شد. در واقع به واسطه حضور افراد در قدرت، زنان این متنفذین از نخستین کسانی بودند که به طرح کشف حجاب پاسخ مثبت دادند... .»

تاریخ جهان

انگلستان عصر ویکتوریا

کتاب «انگلستان عصر ویکتوریا» نوشته: «جان اف وو کوویتس» را فرید جواهرکلام به فارسی برگردانده و به تازگی از سوی انتشارات ققنوس منتشر شده است. عصر ویکتوریا که از بر تخت نشستن ملکه ویکتوریا در سال ۱۸۳۷ تا زمان مرگش در سال ۱۹۰۱ به طول انجامید، یکی از انقلابی‌ترین دوران‌ها در تاریخ بریتانیا بود.

به موجب همگامی و همراهی سرخوشانه ۲قدرت نظامی و صنعتی، انگلستان خود را محق می‌دانست که امپراتوری وسیع و نیرومندی در سراسر جهان بر پا کند که هم قدرت مهیب خود را به رخ بکشد و هم کنترل خود را بر منابع عمده مواد خام حفظ کند. سربازان و ماجراجویان انگلیسی به سرزمین‌های دوردست جهان سرازیر شدند: هند، آفریقا، آسیا و جزایر پراکنده در اقیانوس اطلس و در اواخر حکومت ملکه ویکتوریای انگلستان در هر گوشه‌ای از کره زمین مستعمراتی داشت و بر یک‌چهارم مردم جهان حکومت می‌کرد. در واقع کتاب حاضر اقتباسی است از دفترچه خاطرات ملکه ویکتوریا که هر روز توسط خودش به نگارش درآمده است. وی در این دفترچه کمتر در مورد مسائل سیاسی می‌نوشت. ویکتوریا عاشق شوهر خود بود، به‌طوری که پس از مرگ وی همیشه مشکی می‌پوشید و بسیار از عادات سیاسی و اجتماعی خود را کنار گذاشت.

انتشارات ققنوس کتاب انگلستان عصر ویکتوریا نوشته جان اف وو کوویتس را در ۱۲۷صفحه، به بهای ۶۵هزار تومان منتشر کرده است.

تاریخ قرون وسطایی

امپراتوری نیهون‌جا

«امپراتوری نیهون‌جا» دهمین جلد از مجموعه «جنگاوران جوان» نوشته: «جان فلنگن» را مسعود ملک‌یاری به فارسی برگردانده و به تازگی از سوی نشر افق منتشر شده است.

مورگاراث، فرمانروای کوهستان باران و ظلمت، نیروهایش را جمع کرده تا به سرزمین پادشاهی حمله کند. او قسم خورده که این بار از جنگ دست خالی برنگردد. امپراتوری نیهون‌جا، دهمین جلد از مجموعه ۱۲جلدی و پرطرفدار جنگاوران جوان است. فلنگن، نویسنده‌ای استرالیایی و پیرو سبک خیال‌پردازانه تاریخی است که به‌دلیل نوشتن داستان‌های قرون وسطایی تاریخی و فانتزی شهرتی جهانی پیدا کرده است. آثار فلنگن بارها برنده جوایز متعدد بین‌المللی از جمله جایزه انجمن ناشران استرالیایی شده‌اند. مجموعه جنگاوران جوان در بین نوجوانان به محبوبیتی جهانی دست پیدا کرده و علاوه بر آن در ۱۸کشور مختلف اجازه چاپ پیدا کرده است. همچنین به گزارش نیویورک تایمز این مجموعه در فهرست آثار پرفروش این نشریه قرار دارد.

تاکنون ۱۲جلد از این مجموعه منتشر شده که امپراتوری نیهون‌جا- جنگاوران جوان ۱۰آخرین کتاب از این مجموعه است که با خرید حق انحصاری در ایران توسط نشر افق ترجمه و منتشر شده است.

نشر افق این کتاب ۵۷۶صفحه‌ای را برای نوجوانان به بهای ۲۴۵هزار تومان منتشر کرده است.

تاریخ ادبیات

جویس در تعطیلات

کتاب «جویس در تعطیلات» با تالیف و ترجمه احمد اخوت به تازگی از سوی نشر افق منتشر شده است. این کتاب، ۱۹جستاره در خصوص نویسندگان و تعطیلات است. در این کتاب سخن از این است که آیا نویسندگان هم از گذشته تاریخ تا امروز، مانند بیشتر مردم به تعطیلات می‌روند یا نوشتن تعطیل‌بردار نیست. نوشتن کاری دشوار و پرفشار است و نویسنده کارش را معمولا به تنهایی و در تنهایی انجام می‌دهد و گرچه این کار بیشتر اوقات برایش لذتبخش است، نوشتن مداوم خسته و فرسوده‌اش می‌کند و به استراحت، گردش و تعطیلات نیاز دارد.

نوشتن حتی در تعطیلات با نویسنده همراه است، گویی با او عجین شده و بخشی از ذات و وجود او را تشکیل می‌دهد.

در بخشی از کتاب می‌خوانیم: نویسنده موجودی است با دو «من» که یک «من»اش مثل بقیه استراحت می‌کند و احتمالا از تعطیلی‌اش لذت می‌برد. اما من دومش با تفریح بیگانه و دائم مشغول نوشتن است، یا به آن فکر می‌کند و در تدارک اثر جدیدش است. او نویسنده است و ذاتش در نوشتن خلاصه می‌شود، همانطور که لوئی شانزدهم شاه بود و سرشتش این بود.

احمد اخوت (زاده ۱۳۳۰ در اصفهان) داستان‌نویس، داستان‌شناس، مترجم و منتقد ادبی است. وی دارای مدرک دکتری زبان‌شناسی و نشانه‌شناسی است. او از یاران حلقه ادبی جنگ اصفهان بوده‌است. همچنین وی عضو شورای نویسندگان فصلنامه زنده‌رود است. نشر افق، جویس در تعطیلات را در ۳۱۲صفحه، به بهای ۱۵۵هزار تومان منتشر کرده است.